عامل قتل محاکمه شد

عاقبت شوم دعوای ۲ زن همسایه



گروه حوادث: دعـوای ۲ زن همســایه تا جایی پیــش رفت که بوی مرگ گرفت و جنایتی خونین کلید خورد.

به گزارش خبرنگار ما، تابســتان ســال ۸۹ مأمــوران ســلطان آباد اسلامشــهر از قتل مــرد جوانی در زیرزمین منزل مسکونی‌اش باخبر و راهی محل شــدند. جسد متعلق بــه جعفر ۳۵ ســاله بود کــه بر اثر ضربه چاقوی مرد همســایه به قتل رسیده بود. با انتقال جسد به پزشکی قانونی، عامــل قتل به نام ســامان ۳۸ ساله که در محل حضور داشت بازداشت شــد. متهم بعد از انتقال به پلیــس آگاهی تحــت بازجویی قرار گرفت و در اظهاراتش گفت: «چند سالی با جعفر همسایه بودیم. او در طبقه پاییــن زندگی می کرد و ما هم در طبقه بالای ســاختمان ســکونت داشــتیم. در این سال‌ها مشــکلی نبود تا اینکه همسرانمان سر موضوعی با هم اختلاف داشتند. روز قبل از حادثه وقتی از سر کار به خانه برگشتم متوجه شدم همسرم ناراحت است و وقتی از او سؤال کردم گفت با همســر جعفر درگیر شده اســت. این موضوع مرا ناراحت کرد و همان لحظه می خواستم به طبقه پایین بروم که فهمیدم مهمان دارد و مزاحم نشدم.»

متهم در خصــوص قتل گفت: «این گذشــت تا همان شب قبل از خواب، جعفر مقابــل خانه‌مان آمد تا در مــورد اختلاف همســرانمان صحبت کنیــم تــا اینکــه کار به درگیری کشید.

او اصرار داشــت وارد خانه شود که پایم را لای در گذاشــتم و مانع شدم. جعفر وقتی مقاومت مرا دید به زیرزمین رفت و من هم با چاقو دنبال او دویدم. وقتی به زیرزمین رسیدم با چاقو به او ضربه زدم که ناخواسته منجر به قتل شد.»

با ثبت توضیحات متهم وی بعد از بازسازی صحنه جرم روانه زندان شد و پرونده با کامل شدن تحقیقات به شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. در اولین جلسه رســیدگی به پرونده متهم با درخواســت قصاص از سوی اولیای دم به قصاص محکوم شد. این حکم به دیوان عالی کشور فرستاده شد و بعد از تأیید در یکی از شعبات آن در حالیکه در آســتانه اجرا قرار داشت متهم توانست با پرداخت ۵۰ میلیون دیه رضایت اولیای دم را جلب کند.

با گذشت هشت سال از حادثه در حالیکه اولیای دم هنوز در دادســرا اعــلام رضایت نکــرده بودند متهم با نوشــتن نامه‌ای از قضات دادگاه درخواست تعیین تکلیف کرد. به این ترتیب صبح دیروز وی مقابل هیأت قضایی همان شعبه به ریاست قاضی عبداللهی قرار گرفت.

بعد از اعلام رســمیت جلســه، متهم در آخرین دفاعش گفت: «آن شــب به خاطر حمایت از ناموســم با مقتول درگیر شــدم. حالا هشت ســال در زندانــم در حالیکه چند ســال قبل ۵۰ میلیون تومان دیه را به زحمت تهیه کــردم و به اولیای دم پرداختم تــا رضایت آنها را جلب کنم اما در این سال‌ها آنها به دادسرا مراجعه نکردند تا درخواست‌شان را ثبت کنند.»

متهم ادامــه داد: «در این مدت همســر و بچه‌هایم بی‌سرپرســت ماندند و من هم بهترین دوران عمرم را که می‌توانستم کنار فرزندانم باشم در زندان گذراندم از شما تقاضا دارم هر چه زودتر مرا آزاد کنید.»

بنابه این گزارش، در پایان هیات قضایی وارد شور شد.

اخبار حوادث

کودک آزاری سوزناک از سوی پدر سنگدل

پدر عصبانی در درگیری با همسرش اقدام به ریختن آبجوش به صورت دختر ۷ ساله‌اش کرد.

پدر دختر ۷ ساله، زمان درگیری با مادر کودک، ناگهان آب جوش را بر سر و صورت فرزندش ریخت و او را سوزاند. خاله دختر مدعی است این پدر سابقه همسرآزاری و کودک آزاری متعددی را دارد.

۳ روز پیــش دختــری ۷ ســاله در حالی که به شــدت گریه می کرد در آغــوش خاله‌اش به بیمارستان سوانح و سوختگی گناوه انتقال یافت.

خاله دختر مدعی بود پدر کودک دخترش را با آب جوش سوزانده است. بلافاصله پزشکان درمان او را آغاز کردند.

مسئول حراست بیمارستان سوانح و سوختگی گناوه گفت: ایــن دختر که بهتر اســت به دلیل کوچک بود شــهرنامش مطرح نشود در حالی به بیمارستان انتقال یافت که در اثر ریختن آب جوش بر بدنش دچار ۴ درصد سوختگی شده بود.

خوشبختانه درصد ســوختگی بالا نبود و بعد چند ساعت درمان پزشکان وی را ترخیص کردند.

وی در ادامه گفت: خاله این دختر بچه مدعی بود که زمانی که پدر و مادر این کودک با هم دعوا می کردند ناگهان پدر آب جوش را بر روی کودک خود ریخته است.

بررسی‌ها نشان از آن دارد که رفتار خشن پدر با همسر و فرزند خود برای اولین مرتبه نبوده و سابقه همسرآزاری و کودک آزاری متعددی داشته است.

مرگ مرموز آقای بازیگر در آبادان

بازیگر سرشناس تئاتر در سناریوی مرموزی در خانه‌اش تسلیم مرگ شد.

روز پنجشنبه ۱۹ مهرماه سال جاری ماموران کلانتری ۱۸ آبادان در جریــان مرگ مرموز مرد جوانی در خانه‌اش قرار گرفتند و تیمی از ماموران برای بررسی موضوع در محل حاضر شدند.

ماموران با حضور در منطقه ذوالفقاری وقتی پای در صحنه جرم گذاشتند با جسد مرد جوانی که با یک شــال خود را حلق آویز کرده بود روبرو شدند.

ماموران در تحقیقات میدانــی پی بردند که مهدی پورشعبان یکی از بازیگران سرشناس تئاتر در آبادان است که عصر پنج شنبه باید برای اجرای تئاتر روی صحنه می رفت که دوســتانش قبل از اجرا برای تمرین با وی تماس گرفتند اما مرد جوان پاسخگوی تماس‌ها نبوده تا اینکه همکارانش با حضور در خانه بازیگر تئاتر با جسد حلق آویز شده وی روبرو شدند.

ماموران در تجسس‌های میدانی پی بردند که مهدی ۲ بار ازدواج کرده و صاحب ۴ فرزند است و مدتی است که در منطقه ذوالفقاری زندگی می کند و احتمال می رود به خاطر مشــکلات خانوادگی دست به این اقدام مرگبار زده است.

یکی از دوستان این بازیگر تئاتر به رکنا گفت: ســاعت ۳ بامداد با مهدی صحبت کردم و از من خواست تا از کربلا برای او یک انگشتر و خاک کربلا بیاورم و هیچ مشــکلی در زندگی اش نداشت که بخواهد دست به خودکشــی بزند و وقتی شنیدم مهدی دســت به خودکشــی زده باورش برایم سخت بود.

بنا به این گــزارش، تحقیقات پلیســی برای بررســی و علت این اقدام مرگبار در دســتور کار ماموران پلیس آگاهی آبادان قرار دارد.

پایان ۶ سال فرار قاتل در زابل

متهمی که سال ۹۱ در زابل دست به قتل زده بود، سرانجام با گذشــت ۶ سال زندگی پنهانی به دام افتاد.

ســرهنگ ابراهیم ملاشــاهی رئیس پلیس آگاهی اســتان سیستان وبلوچســتان گفت: در پی قتل مردی جوان در ۱۸ فروردین ماه سال ۹۱ در شهرســتان زابل و متواری شدن قاتل موضوع دســتگیری متهم به صورت ویژه در دستور کار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت.

وی افــزود: تحقیقات برای دســتگیری قاتل متواری که محل اختفایش را در استان‌های کشور دائم تغییر می داد، ادامه داشت تا اینکه روز شنبه گذشته اطلاعاتی در خصوص حضور قاتل در بخش «جالق» شهرستان سراوان بدست آمده و ماموران این فرماندهی با هماهنگی قضائی در یک عملیات ضربتی و غافلگیرانه او را دستگیر و به فرار ۶ ساله او پایان دادند. رئیس پلیس آگاهی استان سیستان و بلوچستان با اشاره به اینکه در تحقیقات تخصصی کارگاهان علت قتل اختلاف مالی اعلام شده است، افزود: نیروی انتظامی با قاطعیت با برهم زنندگان نظم و امنیت که قصد دارند منطقه را ناامن جلوه دهند برخورد می کند.

خبر

باز هم یک دختر باعث قتل شد

مخفیگاه قاتل عاشق پیشه کجاست؟!

گروه حوادث: پسر جوان در رقابت عاشقانه دست به قتل خیابانی زد و پا به فرار گذاشت.

پس از ۹ ماه پلیس با تقاضای انتشــار عکس قاتل فراری از مردم کمک خواست تا در ردیابی مخفیگاهش همکاری کنند.

فریاد زنانه

عقربه‌ها ســاعت ۵ عصر ۱۱ دی ماه ســال گذشته را نشان می‌داد که صدای درگیری چند جوان در خیابان نبرد، خیابان علامه شــمالی اهالی محل را از خانه‌هایشــان بیرون کشید و هنوز لحظاتی نگذشته بود که ناگهان فریادهای مادرانه زنی به گوش رسید.

مادر جوان در حالیکــه فرزندش را به آغوش گرفته بود از مردم می‌خواســت تا بــا پلیس و تیم‌های امدادی تماس بگیرند.

خیلی زود امدادگران اورژانس در محل حاضر شدند و مرگ پسر ۲۶ ســاله را تایید کردند و در ادامه ماموران کلانتری ۱۳۲ نبرد ماجرای قتل خونین پسر جوان را به بازپرس سجاد منافی آذر در شــعبه ۳ دادســرای امور جنایی تهران خبر دادند.

گریه‌های مادر مقتول

بازپرس ویــژه قتــل در ادامه همــراه تیم تشــخیص هویت و مامــوران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران برای تجسس‌های پلیسی پای در صحنه جرم گذاشتند.

بررسی‌های پلیسی نشــان از آن داشت پسر جوان با ضربات چاقو به قتل رسیده است.

مادر این جوان در حالیکه اشــک می‌ریخت به ماموران گفت: داخل خانه بودیم که ســاعت ۳ ظهر پسرم با صدای گوشی موبایلش از خواب بیدار شــد و شــروع به صحبت کرد و پسرم در حالیکه عصبانی بود گوشی موبایل را قطع کرد و لباس‌هایش را تن کرد که از خانه بیرون برود.

وی افزود: وقتی پســرم می‌خواست از خانه خارج شود علت عصبانیتش را پرسیدم که ادعا کرد موضوع مهمی نیســت، از او خواست صبر کند تا برادرش بیاید و همراهش باشد اما پسرم اصرار داشت که موضوع به خودش مربوط است و نمی‌خواهد کسی در آن دخالت داشته باشد.

مادر جوان گفــت: هنوز دقایقی نگذشــته بود که صدای درگیــری و داد و فریاد از کوچه به گوش رسید که سراسیمه خودم را به بیرون خانه رساندم و با پسرم که غرق خون روی زمین افتاده بود روبرو شدم و وقتی امدادگران اورژانس برای نجات پســرم پای در محل گذاشتند مرگ او را اعلام کردند.

یک شب قبل از جنایت

کارآگاهان در تحقیقات پلیســی و فنی پی بردند که پسر جوان شامگاه ۱۰ دی ماه سال ۹۶ با یکی از دوستانش به نام آرش درگیر شده است و این در حالی بود که شاهدان جنایت ادعا کرده بودند در زمان درگیری مرگبار آرش در صحنه حضور داشته است.

همین کافی بود تا ماموران با شناسایی خانه آرش در منطقه نبرد جنوبی برای دستگیری وی وارد عمل شوند و این جوان وقتی از سوی ماموران دستگیر شد اصرار بر بیگناهی کرد.

حذف رقیب عشقی

آرش که اصرار بر بیگناهی داشت ادعا کرد که در صحنه درگیری آرش حضور داشته اما قتل را یکی از دوستانشان به نام بهزاد انجام داده است.

پسر جوان به ماموران گفت: قربانی جنایت چندی قبل با یک دختر جوان آشنا شد که گویا بهزاد نیز در گذشته با این دختر در ارتباط بوده و همین موضوع شــروع اختلاف بهزاد و مقتول شده بود.



وی ادامه داد: اختلاف آنها ادامه داشــت تا اینکه روز حادثه داخل پــارک بودم که بهزاد و مقتول با هم درگیر شدند که من برای پایان دادن به درگیری آنها وارد صحنه شــدم که ناگهان دیدم پســر جــوان روی زمین افتاد و بهزاد ســوار بر موتورســیکلتش پا به فرار گذاشت.

ردیابی عامل جنایت

کارآگاهان در این شاخه از تحقیقات پی بردند که بهزاد به عنوان پیک موتوری در یک رستوران در شمال تهران مشغول به کار بوده و ماموران با حضور در محل کار متهم مشــخص شد که وی چند روزی اســت که به محــل کارش مراجعه نکرده است.

در این مرحله ماموران کارآگاهان با حضور در خانه بهزاد در خیابان نبرد متوجه شدند که متهم پس از جنایت دیگر به خانه بازنگشته و با اطلاع از کشته شدن پسر جوان پا به فرار گذاشته است.

تیم پلیسی در گام بعدی تحقیقات پاتوق‌ها و دوســتان بهزاد را به صورت نامحسوس تحت نظر قرار دادند و در این مدت مشــخص شد که این جوان پس از قتل دیگر تماســی با دوستان و خانواده‌اش نداشــته و ردی از خــود برجای نگذاشته است.

بنا به این گزارش، بازپرس سجاد منافی آذر از شعبه ۳ دادسرای امور جنایی تهران با توجه به فراری بودن متهم و در حالیکه تحقیقات پلیسی برای دســتگیری بهزاد ادامــه دارد با تقاضای چاپ عکس متهم خواست تا کسانیکه اطلاعی از مخفیگاه یا تردد متهم فراری دارد با شــماره تلفن ۵۱۰۵۵۴۳۷ اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران تماس گیرند.

خبر

مردی بعد از طلاق بچه‌اش را ربود

اشک‌های مادر بخاطر پسرک نمکین

گروه حوادث: پدر تهرانی با طلاق همسرش در یک نقشه سازمان‌یافته پسر ۵ ساله‌اش را ربود.

روز ۲۴ خرداد ماه سال جاری مادر نگرانی با حضور در شعبه ۴ دادسرای امور جنایی تهران از ربوده شدن پسر ۵ ساله‌اش به نام کارن توسط پدرش خبر داد.

زن جوان ادعا کرد که همسرش قرار بوده بعد از جدایی فرزندش یک روز در کنار همسرش باشد اما شوهر وی پس از گرفتن فرزندش دیگر او را به بازنگردانده است.

بدین ترتیب بازپرس جنایی تهران دستور داد تا تیمی از ماموران اداره ۱۱ پلیــس آگاهی تهران برای تحقیقات ویژه و بازگرداندن پسر کوچولو وارد عمل شوند.

مادر «کارن» برای تحقیقات ویژه پیش روی ماموران اداره ۱۱ پلیس آگاهی تهــران قرار گرفت و گفت: چندی قبل به خاطر مشــکلات خانوادگی با همسرم مجبور به جدایی شــدیم و پس از طلاق، دادگاه حضانت پســرم را به من داد و تصمیم گرفته شــد تا پسرم «کارن» روزهای چهارشــنبه نزد پدرش برود و روز پنج شنبه تحویل من داده شود.

وی در حالیکه اشــک می‌ریخت به مامــوران گفت: روز چهارشنبه پســرم را در کلانتری تحویل پدرش داد و قرار بود فردای آن روز پســرم را بازگرداند اما صبح روز پنج شنبه شوهر ســابقم با من تماس گرفت و تهدید کرد دیگر پسرم را نخواهم دید. مادر نگران ادامه داد: همسرم در تهدیدهایش ادعا کرد که قصد دارد کارن را از کشــور خارج کنــد و از آن زمان به بعد دیگــر اطلاعی از فرزندم و شوهر سابقم ندارم.



کارآگاهــان در در این مرحله برای بررســی موضوع به خانــه پــدر «کارن» در منطقــه صادقیــه رفتند و و پی بردند که مــرد جوان با طرح و نقشــه قبلــی همراه فرزنــدش ناپدیــد شــده و هیــچ یــک از اعضــای خانواده‌اش نیز از سرنوشــت پســر و نوه‌شــان اطلاعی ندارند.

بنا به این گزارش، بازپرس پرونده بــا توجه به ناپدید شدن «کارن» و پدرش با تقاضای چاپ عکس پسر ۵ ساله خواست تا کســانیکه اطلاعی از سرنوشت این پدر و پسر دارند با شماره ۵۱۰۵۵۵۱۱ اداره ۱۱ پلیس آگاهی تهران تماس بگیرند.

این جوان به دروغ عاشق پیشگی می‌کرد

باجگیری از دختر جوان با فیلم‌های سیاه

گروه حوادث: یک پسر با عاشق پیشگی دختری را فریب داد و با فیلم های سیاه از او باجگیری می کرد.

به گزارش خبرنگار ما، تابستان سال ۹۵، مردی همراه پســرانش با مراجعــه به اداره پلیس از پســر جوانی به اتهام اذیت و آزار و آدم ربایی دختر ۲۰ ســاله‌اش به نام شیرین شکایت کرد.

پدر نگران به مأمــوران گفت: «چند روز قبل پیامکی از بانک آمد که متوجه شدم از کارتم پول برداشت شده است. پیگیر شدم فهمیدم دخترم از کارتم به حســاب پســر جوانی مبلغ صدهزار تومان واریز کرده است. سرانجام آن پســر را پیدا کردم و فهمیدم او از دخترم باج‌گیری می کند. سراغش رفتم اما قبول نمی کرد به همین خاطر با پسرانم صحبت کردم و با هم مقابل خانه‌شان رفتیم و او را در گونی انداختیم و تحویل کلانتری دادیم.»

با طرح این شکایت پسر جوان - سیاوش ۲۵ ساله - تحت بازجویی قرار گرفت و با اقرار به جرمش گفت: «با شــیرین دوست بودم و وقتی فهمیدم وضع مالی پدرش خوب است همراه یکی از دوستانم مقابل آموزشگاه رفتیم و او را به خانه‌مان بردیم. ســپس با گرفتن عکس و فیلم از او باجگیری می کردم.» بعد از اظهارات ســیاوش پلیس تــلاش کرد تا همدست متهم را نیز بازداشــت کند اما در روند تحقیقات آنها دریافتند وی که از اشرار محل بود در جریان یک درگیری کشته شده است. به این ترتیب پســر جوان روانه زندان شد و پرونده بعد از کامل شدن تحقیقات به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در دادگاه

صبح دیروز متهم از زندان اعزام و مقابل هیات قضایی همان شعبه به ریاست قاضی قربان‌زاده قرار گرفت. ابتدای جلسه شاکی در جایگاه قرار گرفت و برای متهم درخواست اشــد مجازات کرد. ســپس متهم به اتهام آدم‌ربایی، رابطه نامشــروع و انتشار اخاذی در جایگاه ایســتاد و خــلاف اظهاراتش در دفاع از خود گفت: «همه اظهارات در اداره پلیس به خاطر فشــار بازجویی‌هــا بود اما حالا می خواهم حقیقــت را بگویم.» متهم در ادامه گفت: «من و شیرین با هم دوست بودیم و به هم علاقه داشــتیم. قــرار بود با هم ازدواج کنیم اما مــن وضع مالی خوبی نداشــتم. شــیرین گفت وضع مالی خوبی دارد و می تواند مرا کمک کند. او ۳۰ میلیون تومان به حسابم ریخت و من هم با آن مبلغ یک مغازه زیرپله اجــاره کردم اما در آن کار موفق نشدم و ورشکســته شدم. مدتی بعد شیرین این بار از کارت پدرش مبلغ صد هزار تومان به حسابم واریز کرد. آنجا بود که وقتی پدرش متوجه شد با هم درگیر شدیم.»

متهم در آخر گفت: «همه این حرف‌ها دروغ است و مشکل اصلی به خاطر پول است.»